

تبیین امام مبین در سوره یاسین

مریم سلیمانی میمند*

چکیده

سوره «یس» به عنوان قلب قرآن بیانگر یک دوره معارف استدلالی می باشد و علاوه بر آن که وجود صانع، نبوت و معاد به خوبی در این سوره به اثبات رسیده، مسأله توحید و امامت نیز به طور ضمنی در آن مطرح و ثابت گردیده است. در این مقاله به تبیین امام مبین در سوره یاسین می پردازیم. «وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ» (یس، ۱۲/۳۶)، غالب مفسران «امام مبین» را در این سوره به عنوان لوح محفوظ همان کتابی که همه اعمال و همه موجودات و حوادث این جهان در آن ثبت و محفوظ است تفسیر کرده اند. لوح محفوظ؛ علم خدا، اهلیت (ع) و نامه اعمال را شامل می باشد این معانی هیچ تفاوت و تبیینی با هم ندارند و قابل جمع می باشند. کلید واژه: یاسین، امام مبین، لوح محفوظ، علم، اهل بیت، نامه اعمال.

مقدمه

این سوره در «مکه» نازل شده است، بنا براین محتوای آن از نظر کلی همان محتوای عمومی سوره های مکی است که از توحید و معاد و وحی و قرآن و انذار و بشارت سخن می گوید، در این سوره به طور خاص چهار بخش عمده دیده می شود:

۱. سخن از رسالت پیامبر اسلام (ص) و قرآن مجید و هدف از نزول این کتاب بزرگ آسمانی و گروندگان به آن است و تا آیه یازده آن را ادامه می دهد.
۲. بخشی از این سوره از رسالت سه نفر از پیامبران الهی و چگونگی دعوت آنها به

*. عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور واحد شهر بابک.

سوی توحید و مبارزه پیگیر و طاقت فرسای آنها با شرک سخن می گوید که درحقیقت یک نوع تسلی و دلداری به پیامبر (ص) و ارائه طریق در انجام رسالت بزرگ او است .

۳ . بخشی از این سوره که از آیه ۳۳ شروع می شود و تا آیه ۴۴ ادامه دارد مملو از نکات جالب توحیدی و بیان گویا از آیات و نشانه های عظمت پروردگار در عالم هستی است ، در قسمت های اخیر سوره نیز مجدداً به همین بحث توحیدی و آیات الهی باز می گردد .

۴ . بخش مهمی از این سوره از مسائل مربوط به «معاد» و دلائل گوناگون آن و چگونگی حشر و نشر و سؤال و جواب در روز قیامت و پایان جهان و بهشت و دوزخ سخن می گوید ، که در این قسمت نکته های بسیار مهم و دقیقی نهفته شده است و در لابلاهی این بحث های چهارگانه آیتی تکان دهنده برای بیداری و هشیاری غافلان و بی خبران آمده است که اثری نیرومند در دل ها و جان ها دارد .

خلاصه این که در این سوره با صحنه های مختلفی از آفرینش و قیامت و زندگی و مرگ و انذار و بشارت روبه رو می شویم که مجموعه ای بیدار کننده و نسخه ای شفا بخش را تشکیل می دهد .

سوره «یس» به گواهی احادیث متعددی که در این زمینه وارد شده یکی از مهم ترین سوره های قرآنی است ، به گونه ای که در احادیث به عنوان قلب قرآن نامیده شده است . در حدیثی از پیامبر اسلام می خوانیم : «ان لكل شیء قلباً و قلب القرآن یس» ؛ هرچیز قلبی دارد و قلب قرآن یس است .

در حدیثی از امام صادق (ع) نیز همین معنی آمده است و در ذیل آن می افزاید : «فمن قرء یس فی نهاره قبل ان یمسی کان فی نهاره من المحفوظین و المرزوقین حتی یمسی ، و من قرءها فی لیلته قبل ان ینام وکل به الف ملک یحفظونه من کل شیطان رجیم و من کل آفة» ؛ هر کس آن را در روز پیش از آن که غروب شود بخواند در تمام طول روز محفوظ و پر روزی خواهد بود و هر کس آن را در شب پیش از خفتن بخواند خداوند هزار فرشته را بر او مأمور می کند که او را از هر شیطان رجیم و هر آفتی حفظ کنند.... و به دنبال آن فضائل مهم دیگری نیز بیان می فرماید .

باز در حدیثی از پیامبر می خوانیم که فرمود : «سورة یس تدعی فی التوراة المعمة ! قیل و ما المعمة ؟ قال نعم صاحبها خیر الدنیا و الآخرة ...» ؛ سوره یس در تورات به عنوان عمومیت آفرین نامیده شده ، سؤال شد از چه رو به آن عمومیت آفرین گفته می شود؟ فرمود :

به خاطر این که کسی که همدم و همنشین این سوره باشد او را مشمول تمام خیر دنیا و آخرت می کند .

باید اعتراف کرد که شاید کمتر سوره‌ای در قرآن مجید دارای این همه فضیلت بوده باشد . البته این فضیلت برای کسانی نیست که تنها الفاظ آن را بخوانند و مفاهیم آن را به طاق نسیان زنند ، بلکه این عظمت به خاطر محتوای عظیم این سوره است . محتوایی بیدارگر ایمان بخش و مسئولیت‌آفرین و تقوازا که وقتی انسان در آن اندیشه کند و این اندیشه در اعمال او پرتوافکن گردد خیر دنیا و آخرت را برای او به ارمغان می آورد .

دیدگاه‌ها درباره تفسیر «امام مبین»

این واژه از ریشه «ا-م-م» به معنای اصل و مرجع ، اشتقاق یافته و در همه کاربردهای گوناگون آن ، نامی برای کس یا چیزی است که به سویش توجه شده و به نحوی از آن پیروی می کنند .^۱ واژه «امام» در معانی گوناگونی همچون : جاده^۲ ، ریسمان بنایی^۳ ، رهبر و پیشوای گروهی از مردم^۴ به کار رفته است . برخی واژه پژوهان قرآن در مقام شمارش کاربردهای مختلف این واژه به ۵ معنای ذیل اشاره کرده‌اند : رهبر ، دفتر اعمال آدمیان ، لوح محفوظ ، کتاب تورات ، راه اصلی و مرکزی .^۵ صاحب تفسیر نمونه در تفسیرش اشاره دارد به این که تعبیر به «امام» ممکن است از این نظر باشد که این کتاب در قیامت رهبر و پیشواست برای همه ماموران ثواب و عقاب و معیاری است برای سنجش ارزش اعمال انسان‌ها و پاداش و کیفر آنها .

واژه «مبین» از ریشه «بیان» به معنای کشف و ظهور اشتقاق یافته و با «بوّن» به معنای تفاوت و «بین» به معنای وصل و فراق ، هم ریشه است .^۶ پیوند معنایی این سه مفهوم را این گونه گفته‌اند که کشف و ظهور هر شیء معمولاً از طریق ذکر تفاوت و تشابه آن شیء با دیگر اشیا حاصل می شود .^۷ دو واژه «مبین» و «بین» هم معناست ؛ اما «مبین» از تأکید بیشتری برخوردار بوده و افزون بر ظهور و انکشاف ، از حالت اظهار و کاشفیت برای دیگر اشیا نیز برخوردار است ، به همین سبب گاه تنها از حیث نخست لحاظ شده و به صورت لازمی به کار می رود و گاه به حیث دوم آن نیز توجه شده و به صورت متعدی به کار می رود .^۸ تعبیر «امام مبین» دو بار در قرآن به کار رفته که بار نخست درباره علم جامع خداوند به اعمال و رفتار همه آدمیان (یس ، ۱۲/۳۶) و بار دوم در ارتباط با نزول عذاب بر دو شهر قوم لوط

و شعيب (الحجر، ۱۵/۷۹) است .

خداوند در آیات نخست سوره یاسین ، پس از بیان گمراهی ، کوردلی و عناد کفرپیشگان در برابر پیام های آسمانی رسولان ، از علم جامع خویش به کارهای گذشته و آثار برجای مانده از آنان یاد می کند : «... وَكُتِبَ مَا قَدَّمُوا وَأَثَرَهُمْ وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ» (یس، ۳۶/۱۲) .

۱. لوح محفوظ: غالب مفسران ، امام مبین را در این آیه به معنای لوح محفوظ دانسته اند^۹ که در آیات دیگر از آن به «ام الكتاب» (الرعد، ۱۳/۳۹) و «كتاب مبین» (الانعام، ۶/۵۹) یاد شده ، با این حال در بیان تعریف آن دچار اختلافاتی شده اند که به نمونه ای از این تعاریف می پردازیم . صاحب المیزان در تفسیرش اشاره می کند که منظور از امام مبین «لوح محفوظ» است . لوحی که از دگرگون شدن و تغییر پیدا کردن محفوظ است و مشتمل است بر تمامی جزئیاتی که خداوند سبحان قضایش را در خلق رانده در نتیجه آمار همه چیز در آن هست و این کتاب در کلام خدای تعالی با اسم های مختلفی نامیده شده است ؛ لوح محفوظ ، ام الكتاب ، کتاب مبین و امام مبین ، که در هر یک از این عنوان های چهارگانه عنایتی مخصوص هست . شاید عنایت در نامیدن آن به امام مبین به خاطر این باشد که بر قضا های حتمی خداوند مشتمل است .^{۱۰}

۲. نامه اعمال: گروهی از مفسرین اهل سنت تعبیر مورد نظر را به معنای نامه اعمال آدمیان دانسته و بخش نخست آیه را به استشهاد آورده اند . «وَكَتَبَ مَا قَدَّمُوا وَأَثَرَهُمْ» .^{۱۱} این تفسیر در برخی روایات شیعه نیز به چشم می خورد .^{۱۲} به باور «حسن» منظور از «امام مبین» ، کارنامه های انسان هاست ؛ و بدان دلیل به آنها این نام و عنوان داده شد که نوشته و اثر آنها ، هرگز رو به فرسودگی و کهنگی نمی گذارد .^{۱۳}

۳. علم: صاحب مجمع البیان نیز در تبیین آیه می فرماید: و ما هر چیزی را در کارنامه ای روشن و روشنگر برشمرده ایم . منظور از هر چیز ، هر رویداد و عملکردی است که در لوح محفوظ به شمار آمده و در آن محفوظ است ؛ و این شمارش رویدادها و عملکردها در لوح محفوظ گویی به خاطر توجه یافتن فرشتگان به وسیله آن است ؛ چرا که آنان رویدادها و حوادث بی شمار جهان هستی را با آنچه در آن کتاب پراسرار و شگفت انگیز آمده است مقابله می کنند و از این راه بیشتر و بهتر به علم بی کران خدا بر ذره ذره رویدادها و حوادث آگاه می گردند ، چرا که این کتاب شگفت آور نشانگر دانش وصف ناپذیر و فراگیر خدا بر

کران تا کران هستی و همه رویدادهای کوچک و بزرگی است که در آن روی می دهد. ۱۴

۴- اهل بیت (ع): در بعضی از روایات - که از لحاظ سندی هم اشکالی ندارند - آمده مراد از امام مبین، اهل بیت (ع) است. از جمله در تفسیر قمی در ذیل جمله «وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ» فرموده: یعنی: در کتابی مبین، و آن محکم است. یعنی: تاویل نمی خواهد و ابن عباس از امیرالمؤمنین (ع) روایت کرده که فرمود: «به خدا سوگند منم امام مبین که ما بین حق و باطل جدایی می اندازم، و این را از رسول خدا (ص) ارث برده ام. ۱۵ در تفسیر علی بن ابراهیم نیز این روایت نقل شده است. یا در روایتی با همین مضمون در حدیثی از امام باقر (ع) از پدرش از جدش (ع) نقل شده است که فرمود: «هنگامی که این آیه «وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ» نازل شد ابوبکر و عمر برخاستند و عرض کردند: ای پیامبر، آیا منظور از آن تورات است؟ فرمود: نه، عرض کردند انجیل است؟ فرمود: نه، عرض کردند: منظور قرآن است؟ فرمود: نه، در این حال امیرمؤمنان علی (ع) به سوی پیامبر (ص) آمد هنگامی که چشم رسول خدا (ص) بر او افتاد فرمود: «هو هذا!! إنه الامام الذي أحصى الله تبارك و تعالی فيه علم كل شيء»؛ ۱۶ امام مبین این مرد است، او است امامی که خداوند متعال علم همه چیز را در او احصا فرموده است. هر سه روایت را علمای تفسیر، نقل می کنند، این ریشه قرآنی هم دارد که مراد از کتاب مبین و امام مبین و ام الكتاب؛ علی (ع) است. یعنی: در اصل همه ائمه هستند، لذا وقتی که می گویم علی (ع) نیز، این از باب مصداق است. زیرا چهارده معصوم (ع) از نظر فضائل هیچ تفاوتی با هم ندارند، و در روایات هم فراوان از پیامبر اکرم (ص) و ائمه طاهرين (ع) به این عنوان می خوانیم: «اولنا محمد (ص)، اوسطنا محمد (ص)، آخرنا محمد (ص)».

این روایت معنایش این است که همه ائمه نور مبین هستند، همه یک نورند، همه فضائل در آنهاست هیچ تفاوتی ندارند، فقط اگر فضیلتی هست، فضیلت زمانی است. در نتیجه از همین جا قرآن امامت را هم اثبات می کند که: «هر چیزی را نزد امامی آشکار علی (ع) شمارش کرده ایم».

نتیجه گیری

غالب مفسران با توجه به سیاق آیه «إِمَامٍ مُّبِينٍ» را در آیه به عنوان لوح محفوظ تفسیر کرده اند که باقیه موارد قابل جمع و هماهنگ است. یکی از معانی «إِمَامٍ مُّبِينٍ»، مقام علم

الهی است که همه موجودات با تمامی حالات و خصوصیات در آن ثبت شده‌اند. این معنی، با تفسیر «إِمَامٌ مُبِينٌ» به «لوح محفوظ» نیز که برخی از مفسران گفته‌اند، قابل تطبیق است؛ چرا که لوح محفوظ صفحه علم پروردگار به حتمیات می‌باشد. یکی دیگر از معانی «إِمَامٌ مُبِينٌ» نامه اعمال است و این نامه در عین این که نامه اعمال است، جزئی از لوح محفوظ نیز هست، چون از آنجا نسخه برداری شده و ملائکه آنچه را که از لوح محفوظ نزد خود دارند، با اعمال بندگان مقابله و تطبیق می‌کنند. در بعضی از روایات شیعه مراد از «إِمَامٌ مُبِينٌ»، اهل بیت (ع) و علی (ع) است. لذا این که می‌گوییم «امام مبین» یعنی علی (ع) این از لحاظ مصداق است، «إِمَامٌ مُبِينٌ» یعنی پیامبر (ص)، یعنی: زهرا (س)، یعنی: حضرت علی (ع). یعنی: امام جواد (ع). یعنی: قلب عالم امکان و محور عالم وجود، واسطه بین وحی و شهود، حضرت ولی عصر (عج) و این ریشه قرآنی هم دارد، قرآن می‌فرماید: «وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» (الرعد، ۱۳/۴۳).

قرآن «تَبَيَّنَا لِكُلِّ شَيْءٍ» (النحل، ۱۶/۸۹) است و امیرالمؤمنین (ع) «تَبَيَّنَ كُلَّ شَيْءٍ»؛ بیان‌کننده هر چه که هست، می‌باشد. همان که در بین ما شیعیان مشهور است، این قرآن صامت و او قرآن ناطق است. بنابراین روایاتی که می‌گویند: لوح محفوظ، علم خدا، اهل بیت (ع)، یعنی: امیرالمؤمنین (ع)، یعنی: قرآن، اینها امام مبین هستند؛ معنایش چنین می‌شود که تفاوت و تباینی با هم ندارند، همه شان یک چیزند «وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ»؛ یعنی: یک عالم هستی است، که لوح محفوظ نام دارد.

۱. الصحاح، ۵/ ۱۸۶۳-۱۸۶۵؛ مفردات، ۸۵-۸۷؛ انوار التنزیل و اسرار التاویل، ۴/ ۲۶۴؛ أطیب البیان، ۱۱/ التحقیق، ۱/ ۱۳۵.
۲. ترتیب العین، ۵۵/ الصحاح، ۵/ ۱۸۶۵؛ لسان العرب، ۱/ ۲۱۴؛ التفسیر الکبیر، ۲۶/ ۴۹؛ تفسیر ابن ابی حاتم، ۱۰/ ۳۱۹۱.
۳. معانی الاخبار، ۲۲۵؛ تاج العروس، ۱۶/ ۳۴؛ تفسیر القرآن العظیم، ۶/ ۵۰۴.
۴. الصحاح، ۵/ ۱۸۶۵؛ لسان العرب، ۱/ ۲۱۳-۲۱۴؛ المیزان، ۱۷/ ۹۶.
۵. الوجوه والنظائر، ۱/ ۱۱۸-۱۱۹؛ مجمع البحرین، ۱/ ۷۷.
۶. الصحاح، ۵/ ۲۰۸۲-۲۰۸۳؛ مفردات، ۱۵۷-۱۵۸؛ التفسیر الکبیر، ۱۸/ ۳۵۰.
۷. التحقیق، ۱/ ۳۶۶-۳۶۷؛ نورالثقلین، ۴/ ۳۷۸.
۸. لسان العرب، ۱/ ۵۶۲؛ التحقیق، ۱/ ۳۶۷-۳۶۸؛ مجمع البیان، ۸/ ۶۵۴.
۹. انوار التنزیل و اسرار التاویل، ۴/ ۲۶۴؛ أطیب البیان، ۱۱/ التحقیق، ۱/ ۱۳۵.
۱۰. المیزان، ۱۷/ ۹۶.
۱۱. التفسیر الکبیر، ۲۶/ ۴۹؛ تفسیر قرطبی، ۱۵/ ۱۱؛ تفسیر القرآن العظیم، ۶/ ۵۰۴.
۱۲. نورالثقلین، ۴/ ۳۷۸.
۱۳. مجمع البیان، ۸/ ۶۵۴.
۱۴. همان.
۱۵. تفسیر قمی، ۲/ ۲۱۲؛ تفسیر برهان، ۵/ ۵؛ تفسیر نمونه، ۱۸/ ۳۵۰.
۱۶. تفسیر صافی، ۴/ ۲۴۶؛ تفسیر کنزالدقائق، ۱۱/ ۵۹؛ بحار الأنوار، ۳۵/ ۴۲۷؛ معانی الأخبار، ۱/ ۲۲۵.